



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

تولید اشتغال آفرین



تولید اشتغال آفرین

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر محمود کریمی
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: تولید اشتغال آفرین

سخنران: دکتر محمود کریمی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: اشتغال‌زایی، تولید داخلی، کارآفرینی، نقدینگی، اقتصاد اسلامی

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۵۱۸۴۴

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۱..... حلقه‌ات میانی، عامل پیوستگی مردم و حاکمیت.
- ۲..... نقش انتخاب کردن و ویژگی مختار بودن انسان در اقتصاد.
- ۲..... انقلاب مردمی، نمونه بارز کنشگری جریان های مردمی.
- ۳..... تفاوت نگاه اسلام و غرب به اقتصاد.
- ۴..... کارآفرینی یک فرایند اجتماعی و نه صرفاً اقتصادی.
- ۵..... زیست بوم ملی اشتغال.
- ۵..... چالش بزرگ، فقدان تقسیم کار در اشتغال‌زایی.
- ۵..... پیامدهای فقدان تقسیم کار.
- ۷..... اشتغال و تولید دوروی یک سکه.
- ۷..... بررسی ویژگی های تولید راهی برای تصحیح مشکلات.
- ۸..... هدایت نقدینگی به سمت تولید.
- ۹..... اصلاح ضمانت های بانکی راهی برای ایجاد انگیزه تولید.
- ۱۱..... بررسی پیامدهای افزایش و تقویت تولید.
- ۱۲..... چالش های حوزه اشتغال.



تولید اشتغال آفرین

بسمه تعالی

مقدمه

یکی از نقاط ضعف اساسی در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی، کمبود توجه به گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی در این زمینه است؛ علی‌رغم تأکیدات مقام معظم رهبری «آية الله» بر این امر، این موضوع در سطوح سیاست‌گذاری و اجرایی، چه در بخش حاکمیت و چه در بخش تبلیغات، به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که ترویج فرهنگ درست مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری، زیربنای تحقق اقتصاد مقاومتی است و بدون نهادینه شدن این مفاهیم در ذهن و رفتار آحاد جامعه، دستیابی به اهداف این سیاست کلان دشوار خواهد بود.

در ابلاغیه سیاست‌های مقام معظم رهبری «آية الله» در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، دوبند از آن به موضوع گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی اختصاص یافته است، اما متأسفانه، این موضوع در حلقه‌های میانی و اجرایی به طور کامل مورد پیگیری قرار نگرفته است.

حلقات میانی، عامل پیوستگی مردم و حاکمیت

«حلقات میانی» به گروه‌هایی از کنشگران اجتماعی در کشور اطلاق می‌شود که به دلیل ارتباط نزدیک با حاکمیت و مردم، زبان هر دو را به درستی می‌فهمند. این گروه می‌توانند پل ارتباطی مؤثری بین مردم و حاکمیت در زمینه گفتمان‌سازی و ترویج مفاهیم اقتصاد مقاومتی باشند. ولی متأسفانه، در حال حاضر شاهد کم‌رنگ بودن گفتمان‌سازی در این زمینه در سطوح حلقات میانی و حاکمیت هستیم؛ اگرچه اقداماتی در این راستا صورت گرفته، اما کافی نیست.

با توجه به تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری «آية الله» که طلایه‌دار زمینه‌سازی ظهور هستند، بر اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد کلان اقتصادی کشور، این موضوع وظیفه‌ای همگانی برای همه آحاد جامعه تلقی می‌شود. هیچ فرد یا گروهی در جامعه اسلامی نمی‌تواند نسبت به این امر مهم بی‌تفاوت باشد؛ البته این موضوع به معنای نادیده گرفتن وظایف نهادهای متولی و سلب مسئولیت از آنها نیست؛ بلکه منظور این است که در کنار اقدامات سازمانی و دولتی، هر فرد در جامعه با توجه به توان و جایگاه خود، نقشی در ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند.



تولید اشتغال آفرین

در این میان، حلقات میانی به دلیل ارتباط نزدیک با مردم و تسلط بر زبان آنها، می‌توانند نقشی محوری در گفتمان‌سازی و نهادینه کردن این مفاهیم در جامعه ایفا کنند. هر فردی که با مردم در ارتباط است، چه در سطح محدود خانواده و دوستان و چه در سطح وسیع‌تر، اجتماعات و گروه‌های مختلف، می‌تواند به ترویج این فرهنگ کمک کند. بدیهی است که افرادی که دارای قدرت نفوذ و تاثیرگذاری بیشتری در بین مردم هستند، در این زمینه نقش آفرینی مؤثرتری خواهند داشت. اما این موضوع به هیچ وجه به معنای نفی نقش سایر افراد در جامعه نیست. اما واقعیت این است که پرسش «من چه نقشی در اقتصاد مقاومتی دارم؟» از هر فردی، نقطه آغازین نقش آفرینی در عرصه گفتمان‌سازی و ترویج این فرهنگ است. این سوال، ما را به تفکر وادار می‌کند که چگونه می‌توانیم در راستای ارتقای اقتصاد کشورمان گام برداریم و سهم خود را در این زمینه ایفا کنیم.

نقش انتخاب کردن و ویژگی مختار بودن انسان در اقتصاد

انسان موجودی مختار و صاحب اختیار است که در هر لحظه از زندگی در حال انتخاب کردن است. این ویژگی ذاتی بشر، بر روی زندگی خود و جامعه اطرافش، از جمله در حوزه اقتصاد، تأثیر می‌گذارد. انتخاب‌های ما، چه در گفتار و چه در عمل، بر فرهنگ اقتصادی افراد و جامعه اثر می‌گذارد؛ به عنوان مثال، انتخاب اینکه چگونه با یکدیگر صحبت کنیم، چه اطلاعاتی را ارائه دهیم و به چه سوالاتی پاسخ دهیم، همگی در شکل‌گیری این فرهنگ نقش دارند. این انتخاب‌ها، که ناشی از اختیار و تمایز انسان از سایر موجودات است، دائماً در حال وقوع هستند و باید در ترویج اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرند. باتوجه به اختیار و قدرت انتخابی که انسان دارد، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که در انتخاب‌های خود و در نتیجه در حوزه اقتصاد و اثرگذاری بر زندگی خود و جامعه اطرافش نقشی ندارد.

انقلاب مردمی، نمونه بارز کنشگری جریان‌های مردمی

این تفکر غلط که همه چیز در دست دولت‌هاست و هرچه دولت در سیاست‌گذاری‌ها تصمیم بگیرد، همان اتفاق در عرصه‌های زندگی مردم می‌افتد، مغلطه مصطلح رایج در اقتصاد کشور است که محصول تفکر لیبرالیسم^۱

^۱ Liberalism: به معنای آزادی‌خواهی است. آزادی مبتنی بر فردگرایی و تکیه بر عقل بدون در نظر گرفتن وحی از عناصر



تولید اشتغال آفرین

است. انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای بارز از نقض این تفکر است. این انقلاب که به طور کامل توسط مردم رقم خورد، نشان‌دهنده قدرت جریان‌سازی اجتماعی و کنشگری مردمی در خلاف جهت خواست حاکمیت بود. همچنین در بازه‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی، شاهد اتفاقات جدید و متفاوتی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و علمی بوده‌ایم که همگی نشان‌دهنده اثرگذاری جریان‌های مردمی در عرصه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، است. بنابراین، با توجه به آزاد بودن انسان در انتخاب، جریان‌سازی اجتماعی و کنشگری مردمی می‌تواند به طور قطع بر سیاست‌های اقتصادی کشور اثرگذار باشد.

در ادامه، به لایه‌ای عمیق‌تر در بحث اشتغال و استفاده از آموزه‌های فرهنگ اسلامی و اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. در سیاست‌های کاری، بر اساس آموزه‌های اسلامی، آنچه به انسان ارزش می‌دهد، کار است. ارزش اقتصادی یک فرد، بر اساس کاری که انجام می‌دهد، سنجیده می‌شود. به این معنا که کاری که من، شما و همه مردم انجام می‌دهیم، چه آورده اقتصادی و ارزش افزوده‌ای برای جامعه و خودمان دارد؟ پس از انتخاب، مهم‌ترین عنصر اقتصادی، «کار» است. به همین دلیل، کار در اسلام مقدس شمرده می‌شود؛ چراکه کار، وجه تمایز ما از سایر موجودات است و کاری است که با انتخاب آگاهانه از آن استفاده می‌کنیم. در فرهنگ ائمه و بزرگان دین، کار کردن همیشه مقدس بوده است.

تفاوت نگاه اسلام و غرب به اقتصاد

در نگاه به اقتصاد، دو رویکرد کلی وجود دارد:

رویکرد انسان‌محور: در این رویکرد، انسان در مرکزیت قرار دارد و فعالیت‌های اقتصادی در راستای رشد و تعالی انسان تعریف می‌شوند.

رویکرد سرمایه‌محور: در این رویکرد، سرمایه در مرکزیت قرار دارد و تمام فعالیت‌های اقتصادی در جهت افزایش و حفظ سرمایه انجام می‌شوند که به آن کاپیتالیسم^۱ می‌گویند. کاپیتال به معنای سرمایه است.

اصلی تفکر لیبرالیستی می‌باشد.

(۱) Capitalism: سرمایه‌محوری، یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت



تولید اشتغال آفرین

تفاوت اصلی مفهوم اقتصاد اسلامی با دورویکرد فوق در این است که در اقتصاد اسلامی، نه انسان و نه سرمایه، اصالت مطلق ندارند؛ بلکه در این نگاه، سرمایه در خدمت کار انسان و در نهایت، در خدمت رشد و تعالی انسان قرار می‌گیرد. این امر به این معناست که فعالیت‌های اقتصادی در راستای شکوفایی استعدادهای انسانی و ارتقای سطح زندگی انسان صورت می‌گیرند.

کارآفرینی یک فرایند اجتماعی و نه صرفاً اقتصادی

یکی دیگر از نکات بسیار مهم در حوزه کار، ارزش‌آفرینی و کارآفرینی است که ما کارآفرینی را یک فرایند اصالتاً اجتماعی می‌بینیم، نه صرفاً یک فرایند اقتصادی مبتنی بر محاسبات صرف. این جمله می‌تواند گفتمان فکری شما را به طور کلی متحول کند.

اگر کار کردن، کارآفرینی و اشتغال‌زایی را (که هر کدام تعاریف خاص خود را دارند) به عنوان یک عنصر اجتماعی ببینید، آن را فرایندی با قبل و بعد در نظر می‌گیرید، به این معنا که از لحظه تصمیم‌گیری انسان، آموزش دیدن و... متغیرهای بسیار زیادی در سیاست‌گذاری‌های شما به عنوان حاکمیت یا کنشگری شما به عنوان یک فعال اجتماعی دخیل می‌شوند.

هنگامی که اشتغال‌زایی را یک موضوع اجتماعی و فرهنگی می‌بینید، دیگر صرفاً داشتن سرمایه برای شروع یک کار، ملاک اصلی نیست. در این نگاه، سوال اولیه شما دیگر پول به معنای رایج آن نخواهد بود (البته منظور فلسفه پول و مباحث این‌چنینی نیست)؛ بلکه وقتی کارآفرینی را یک مسئله اجتماعی و فرهنگی می‌بینید، نقش مشاوره، آموزش، مدرک تحصیلی، تربیت خانوادگی، نگاه ایدئولوژیک و مکتبی و... در آن پررنگ می‌شود. با این دیدگاه، شما حاضر به تولید هر چیزی نخواهید بود. این موضوع هم از نظر شرعی و هم از نظر عقلی قابل اثبات است.

خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی (سود) در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود که به این قانون، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود که معنای آن، تولید و توزیع کالاهاست.



تولید اشتغال آفرین

زیست بوم ملی اشتغال

در دولت سیزدهم، طرحی تحت عنوان «زیست بوم ملی اشتغال» با هدف ایجاد تحول در نظام اشتغال کشور ارائه شد. این طرح که در آبان ماه سال ۱۴۰۱، حدود دو ماه پس از آغاز به کار دولت جدید، در شورای عالی اشتغال به تصویب رسید، دارای چند ویژگی بارز است: زیست بوم ملی اشتغال با عنوان «نظریه کار و تولید» در دولت سیزدهم مطرح شده است.

چالش بزرگ، فقدان تقسیم کار در اشتغالزایی

یکی از معضلات اساسی در عرصه اشتغال کشور، نبود تقسیم کار منسجم بین نهادهای مؤثر در اشتغالزایی است. این امر به معنای فقدان هماهنگی لازم بین نهادهای مختلف دولتی و مردمی در زمینه اشتغالزایی است که در حال حاضر، شاهد فعالیت جزیره‌ای این نهادها هستیم که هر کدام به طور مستقل و بدون انسجام با یکدیگر عمل می‌کنند. این نهادهای توانمند شامل وزارتخانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، موسسات خیریه، مراکز مشاوره، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای باشد که کنشگران اجتماعی جامعه هستند که از عناصر مهم و دخیل در ایجاد اشتغال و کارآفرینی می‌باشند.

پیامدهای فقدان تقسیم کار

این ناهماهنگی، پیامدهای منفی متعددی به همراه داشته است، از جمله:
نبود نظارت و ارزیابی: به دلیل عدم انسجام در عملکرد نهادهای مختلف، نظارت و ارزیابی دقیق بر فعالیت‌های اشتغالزایی دشوار شده است.

دقیق نبودن سیاست اشتغال: به دلیل عدم انسجام در عملکرد نهادهای مختلف، در چهارده دهه بعد از انقلاب، شاهد سیاست‌گذاری‌هایی در زمینه اشتغال هستیم که لزوماً دقیق و صحیح نیست.

به عنوان نمونه‌ای از عدم هماهنگی در سطوح حاکمیتی، می‌توان به وزارت کار اشاره کرد. فرض کنید این وزارتخانه در سال جاری، ۱۰ سیاست اشتغالزایی را تدوین می‌کند. در مقابل، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، معاونت تعاون، معاونت روابط کار و مجموعه اقدامات سازمان تأمین اجتماعی نیز به طور مستقیم بر بازار کار اثر



تولید اشتغال آفرین

می‌گذارند. سیاست‌های تعیین نرخ بیمه‌ها و دستمزد توسط سازمان تأمین اجتماعی، سیاست‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سیاست‌های حوزه تعاون هیچ هماهنگی با یکدیگر ندارند؛ درحالی‌که همه این نهادها با نیت خیر عمل می‌کنند، اما فقدان یک نهاد هماهنگ‌کننده مرکزی مانع از آن می‌شود که اثر این سیاست‌ها بر اشتغال به طور کامل بررسی و سنجیده شود.

مشکل مشابهی به طور مثال در وزارت صمت نیز وجود دارد. این وزارتخانه به طور مستقل برای کارگاه‌های با اندازه‌های مختلف (مثلاً ۵ نفره یا ۵۰ نفره) سیاست تعیین می‌کند و مجوز صادر می‌کند؛ درحالی‌که این تصمیمات بدون تفکر نیستند، اما فقدان هماهنگی با سایر نهادها می‌تواند منجر به ناکارآمدی و تضاد در سیاست‌ها شود.

اشکال در عدم وجود نهاد متولی هماهنگ‌کننده اشتغال در کشور، فقط به وزارتخانه‌ها محدود نمی‌شود؛ به عنوان نمونه، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه‌ها نیز شاهد عدم هماهنگی در سیاست‌های مرتبط با اشتغال هستیم. دانشگاه‌ها به طور مستقل در مورد دروس و کتب درسی تصمیم‌گیری می‌کنند، بدون در نظر گرفتن نیازهای بازار کار که توسط وزارت کار به عنوان نهاد متولی این حوزه ارائه می‌شود که این عدم هماهنگی در سطوح مختلف حاکمیت و مردم نیز دیده می‌شود. هر چه از سطوح بالای حاکمیتی به سمت سطوح پایین‌تر و مردمی‌تر حرکت می‌کنیم، شاهد فقدان همکاری بین مردم و متولیان سیاست‌گذاری در حوزه اشتغال هستیم.

این فقدان هماهنگی، نقطه ضعف اصلی زیست‌بوم ملی اشتغال در کشور است و تازمانی که نهاد متولی واحدی برای هماهنگی سیاست‌های اشتغال در سطوح مختلف وجود نداشته باشد، شاهد ناکارآمدی و عدم پیشرفت در این حوزه خواهیم بود.

نکته کلیدی در زیست‌بوم ملی اشتغال، رابطه دوسویه و پیوسته‌ی آن با «تولید» است. اشتغال به عنوان بُعد دوم تولید، در گرو رونق و پویایی آن معنا می‌یابد. در واقع، تولید قوی‌ترین متغیر اقتصادی است که تقویت آن، به طور همزمان دو چالش بزرگ اقتصاد ایران، یعنی «رکود» و «بیکاری» را حل خواهد کرد. در علم اقتصاد، به ندرت می‌توان متغیری یافت که تقویت آن، تمامی شاخص‌های اقتصادی را به طور همزمان بهبود بخشد. سایر متغیرهای کلان اقتصادی، مانند نرخ تورم، نرخ بهره و...، اغلب دارای روابط پیچیده و متقابلی با یکدیگر هستند و تقویت



تولید اشتغال آفرین

یکی، می تواند منجر به تضعیف دیگری شود. اما در مورد تولید، این موضوع به طور کامل صدق می کند. تقویت بخش تولید، از طریق افزایش عرضه کالا و خدمات، به طور مستقیم به کاهش تورم و رونق بازارها می انجامد؛ از سوی دیگر، رونق اقتصادی و افزایش تقاضا، انگیزه سرمایه گذاری و اشتغال زایی را در بخش های مختلف تولیدی افزایش می دهد و در نهایت، به کاهش نرخ بیکاری منجر می شود.

اشتغال و تولید دوروی یک سکه

تمرکز بر تقویت «تولید» به عنوان کلید حل معضل اشتغال و رونق اقتصادی در ایران، ضروری است. همانطور که می دانیم، اشتغال بعد دوم تولید و به مثابه دو روی یک سکه است. یکی از بزرگترین اشتباهات رایج در سیاست گذاری های چهار دهه اخیر کشور، که مقام معظم رهبری نیز در فروردین ماه امسال به آن اشاره فرمودند، تمرکز صرف بر اشتغال به عنوان یک متغیر مستقل و غفلت از نقش کلیدی تولید در ایجاد اشتغال پایدار و پویا بوده است. این رویکرد معیوب، منجر به ناپایداری مشاغل ایجاد شده و عدم تقویت بنیان های تولیدی کشور شده است؛ در واقع، در این نگاه اشتباه، سوال «چقدر شغل می خواهید ایجاد کنید؟» از «چه نوع تولیدی باید رونق بگیرد تا اشتغال پایدار ایجاد شود؟» پیشی می گیرد.

همان طور که پیش تر گفته شد، اشتغال بعد دوم تولید و به مثابه دو روی یک سکه است. برای نیل به اشتغال پایدار و پویا، باید به متغیرهای اصلی تولید توجه ویژه ای داشت. این متغیرها، همچون دو روی یک سکه، در کنار یکدیگر معنا می یابند و غفلت از هر یک، به ناکارآمدی دیگری منجر خواهد شد. در اسلام و اقتصاد اسلامی، تولید جایگاهی والا و مقدس دارد. کار برای افزایش تولید در جامعه اسلامی، فارغ از جنبه های مادی و درآمدزایی آن، امری ارزشمند و ثواب آور تلقی می شود.

بررسی ویژگی های تولید راهی برای تصحیح مشکلات

حال به سراغ بررسی ویژگی های اصلی تولیدی که در مورد آن صحبت می کنیم می رویم. این تولید دارای پنج ویژگی کلیدی و پنج ساحت اصلی است که توجه به هر یک از آنها، به تقویت و رونق آن کمک می کند که عبارتند از:



تولید اشتغال آفرین

۱. **تامین مالی:** در چهار دهه اخیر، تقریباً تنها روش تامین مالی تولید در کشور، اعطای تسهیلات بوده است.

در حالی که دستگاه‌های متعددی مانند بانک‌ها در این حوزه فعالیت می‌کنند، باید به چند نکته کلیدی توجه کرد:

• تسهیلات‌دهی به تنهایی کافی نیست: ما منکر ضرورت و فواید تسهیلات برای تولید نیستیم، اما معتقدیم که

اتکا به این روش به عنوان تنها راه تامین مالی، اشتباه است.

• انتقاد از سیاست‌های اشتغالی و تولیدی به معنای نفی تسهیلات نیست: برخی منتقدان، خواستار حذف کامل

تسهیلات هستند که این رویکرد افراطی و غیرمنطقی است. تسهیلات به عنوان یکی از حقوق مردم بر حاکمیت،

باید در کنار سایر روش‌های تامین مالی وجود داشته باشد.

هدایت نقدینگی به سمت تولید

جمله معروفی می‌گوید: «هدایت نقدینگی^۱ به سمت تولید، کلید حل مشکلات اقتصادی کشور است». این

جمله، گرچه مخالفانی نیز دارد، حاوی حقیقتی انکارناپذیر است. ایران از نظر نقدینگی در وضعیت مطلوبی قرار

دارد. با این حال، بخش قابل توجهی از این نقدینگی (بیش از ۵۰٪) به صورت راکد و غیرفعال در گردش است.

این نقدینگی سرگردان، به جای اینکه در مسیر رونق تولید و اشتغال‌آفرینی به کار گرفته شود، به سمت فعالیت‌های

غیرمولد مانند سفته‌بازی و دلالی سوق پیدا می‌کند. هدایت نقدینگی به سمت تولید، راهکاری اساسی برای حل

این معضل است. اما این هدایت، به معنای اعمال کنترل‌های دستوری و قهری توسط دولت نیست، همانطور که

برخی اقتصاددانان معتقدند.

هدایت صحیح نقدینگی، نیازمند ایجاد بستری مناسب برای رونق فرهنگ کار و تولید در کشور است. در چنین

شرایطی، به طور طبیعی، اولین اولویت افراد برای سرمایه‌گذاری دارایی‌های خود، به جای بازار ارز، طلا و سفته‌بازی^۲،

(۱) Liquidity: به میزان آمادگی یک دارایی برای خرید و فروش در بازار گفته می‌شود. پول رایج هر کشور به عنوان

نقدشونده‌ترین دارایی به حساب می‌آید زیرا خیلی راحت و در کمترین زمان می‌توان آن را به دارایی‌های دیگر تبدیل کرد.

(۲) Speculation: انجام معاملات اقتصادی ریسک‌دار، به منظور حصول سود از نوسانات کوتاه یا میان‌مدت، در ارزش

بازاری کالای تجاری، به جای سعی برای حصول سود از روش‌های اقتصادی اصولی (مانند سود سرمایه، بهره، یا سود سهام)

است. خیلی از سفته‌بازها توجه کمتری به ارزش اصلی سهام دارند و به جای آن صرفاً بر تغییرات قیمت یا تحلیل تکنیکی، تمرکز



تولید اشتغال آفرین

به سمت تولید و فعالیت‌های مولد سوق پیدا خواهد کرد. مسلماً حاکمیت هم در این زمینه نقش آفرین است، اما هدایت نقدینگی در وهله اول یک مسئله فرهنگی به شمار می‌رود. پس از وضع قوانین و مقررات توسط حاکمیت برای کنترل بازدهی بازارهای مالی و سوق دادن مردم به سمت تولید، لازم است موانع موجود در مسیر تولید نیز رفع گردد. درست است که موارد ذکر شده حائز اهمیت هستند، اما وجود روحیه کار، تلاش و تولید در کشور نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. صرف رفع موانع در حوزه تولید و کاهش اجباری بازدهی بازارهای مالی، ضمانتی برای سوق یافتن مردم به سمت تولید نخواهد بود. کارآفرینی و اشتغال‌زایی یک امر پویای اجتماعی پیچیده است که اطاعت محض از دستورات را نمی‌طلبد؛ لذا توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در این زمینه ضروری است. به عنوان مثال، می‌توان بر مدل‌های تامین مالی جایگزین تسهیلات تامین مالی جمعی، مانند تامین مالی اجتماعی که در بین مردم رواج دارد، تاکید کرد.

اصلاح ضمانت‌های بانکی راهی برای ایجاد انگیزه تولید

۱. لایه ضمانت: یکی از کلیدهای اصلی در حوزه تامین مالی، معطوف کردن توجه به جای وام‌دهی صرف، به «لایه ضمانت» است. بخش قابل توجهی از چالش‌های تامین مالی در کشور ما به نظام ضمانت‌دهی نامناسب برمی‌گردد. به جای تمرکز صرف بر قواعد بانکی و فرآیندهای وام‌دهی، حاکمیت باید با طراحی مدل‌های ضمانتی کارآمد، زمینه را برای مشارکت گسترده مردم در سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تولیدی فراهم کند. با اتکا به ضمانت‌های قوی و قابل اتکا، می‌توان انگیزه سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان را افزایش داد و به رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی در کشور کمک کرد.

۲. بازار فروش: لایه دوم اثرگذار در حوزه تولید، بازاریابی و فروش است. گاه در تمرکز بر تامین مالی، از این بخش غافل می‌شویم. اما اگر مدل‌های بازاریابی کارآمد و جذاب در کشور وجود داشته باشد و بازار فروش محصول به سهولت در دسترس باشد، انگیزه تولید افزایش می‌یابد؛ به عنوان مثال، اگر کسی ایده تولید شکلات داشته باشد، با اطمینان از وجود

می‌کنند. سفته‌بازی در اصل می‌تواند هر کالای قابل معامله یا روش اقتصادی را در بر بگیرد. سفته‌بازها در بازارها خصوصاً در سهام، اوراق قرضه، قرارداد آتی، ارزها، هنرهای زیبا، کلکسیون‌ها، املاک و مستغلات و مشتقات، وارد می‌شوند.



تولید اشتغال آفرین

بازار و تقاضا برای محصولش، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری و تولید خواهد داشت. این تضمین بازار، که از طریق تحلیل و بررسی دقیق تقاضا و نیاز مشتریان به دست می‌آید، به نوبه خود زمینه را برای ظهور مدل‌های جدید تامین مالی و تبدیل بخشی از دارایی‌های راکد و منجمد به نقدینگی مورد نیاز برای تولید فراهم می‌کند.

۳. فناوری: لایه سوم و کلیدی در حوزه تولید، مقوله «فناوری» است. فناوری در اینجا به معنای شیوه تولید تعبیر می‌شود. ما باید دائماً این سوال را از خودمان بپرسیم که چگونه می‌توان با استفاده از فناوری، محصولات را با کیفیت بالاتر و قیمتی تمام شده پایین‌تر تولید کرد؛ در واقع، نقش علم در ارتقای فناوری و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید، نقشی انکارناپذیر است. در اینجا، نوآوری نقشی کلیدی ایفا می‌کند. تمرکز مداوم بر ارتقای فناوری تولید، زمینه را برای ورود نوآوری و در نهایت، دانش‌بنیان شدن تولید فراهم می‌کند.

تولید دانش‌بنیان، به تعبیری ساده، خلق ثروت از ایده است. این بدان معناست که فرد با تفکر خلاقانه و ایده‌پردازی، راهکارهایی برای تولید محصولات و ارائه خدمات با ارزش افزوده بالا ارائه می‌دهد و از این طریق ثروت‌آفرینی می‌کند؛ بنابراین، توجه مستمر به ارتقای فناوری تولید در هر زمینه‌ای، منجر به کاهش هزینه‌ها، افزایش سودآوری و در نهایت، نیل به موفقیت در عرصه تولید خواهد شد.

نکته قابل توجهی که در اینجا باید به آن اشاره کرد، مفهوم جامع‌تر تولید است. تولید صرفاً به معنای تولید محصول فیزیکی و قابل لمس نیست، بلکه شامل ارائه خدمات نیز می‌شود؛ برای مثال، فعالیتهایی مانند آموزش توسط معلم، ارائه مشاوره توسط متخصصان و ارائه خدمات درمانی توسط پزشکان، همگی در زمره تولید قرار می‌گیرند. این نوع از تولید که به عنوان «تولیدات غیرمحسوس» یا «خدمات» شناخته می‌شود، نقشی حیاتی در اقتصاد ایفا می‌کند و سهم قابل توجهی (بیش از ۵۰٪) از اقتصاد را به خود اختصاص داده است؛ لذا، حوزه سوم و کلیدی در بحث تولید «فناوری» است که اعم از فناوری مرتبط با تولید محصولات فیزیکی و ارائه خدمات می‌باشد.

۴. زیرساخت: حوزه چهارم و زیربنایی در بحث تولید، «زیرساخت» است. زیرساخت به مجموعه‌ای از امکانات و تسهیلات اطلاق می‌شود که برای انجام فعالیتهای تولیدی ضروری هستند. این موارد شامل منابع طبیعی مانند آب و زمین، شبکه‌های حمل و نقل، سیستم‌های انرژی، تجهیزات و ابزارآلات و سایر مولفه‌های



تولید اشتغال آفرین

اساسی مورد نیاز برای فرآیند تولید می‌شوند.

۵. مسائل حقوقی: لایه پنجم و حائز اهمیت در بحث تولید، «مسائل حقوقی» است. این حوزه به چگونگی تنظیم و ساماندهی روابط میان عوامل دخیل در فرآیند تولید می‌پردازد؛ برای مثال، در این بخش، مواردی مانند تعیین قوانین و مقررات مربوط به تولید محصول، صدور مجوزهای لازم، نحوه تعامل بین کارگر و کارفرما، و سایر مسائل حقوقی مرتبط با فعالیت‌های تولیدی مورد بررسی و ساماندهی قرار می‌گیرد.

با توجه به نقش کلیدی این حوزه در ایجاد نظم و ثبات در فرآیند تولید، توجه به آن و تلاش برای رفع چالش‌های حقوقی موجود، امری ضروری برای نیل به رونق و پویایی در این عرصه خواهد بود؛ در مجموع، می‌توان گفت که پنج ساحت یا لایه کلیدی در بحث تولید وجود دارد که دولت و مردم باید نسبت به ساماندهی و ارتقای آنها اهتمام ورزند. هر یک از این ساحت‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای متولی خاص خود را دارد و مردم نیز در هر یک از آنها نقشی اساسی ایفا می‌کنند.

بررسی پیامدهای افزایش و تقویت تولید

یکی از مهم‌ترین نتایج افزایش و تقویت تولید «ایجاد اشتغال» است. ایجاد اشتغال از طریق تقویت تولید، دارای دو ویژگی بارز است:

- **ایجاد شغل:** با رونق تولید، فرصت‌های شغلی جدیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی پدید می‌آید و افراد بیشتری می‌توانند صاحب شغل و درآمد شوند.

- **پایداری شغل:** مشاغلی که در سایه تقویت تولید ایجاد می‌شوند، از ثبات و پایداری بیشتری برخوردارند؛ چراکه این مشاغل بر پایه نیازهای واقعی جامعه و تقاضای بازار شکل گرفته‌اند و از بنیان‌های محکم‌تری برخوردارند. در مقابل، رویکردهای سنتی اشتغال‌زایی که صرفاً بر پرداخت پول در ازای ایجاد شغل تمرکز دارند، غلط و ناکارآمد هستند. این روش‌ها نه تنها به حل معضل بیکاری کمک شایانی نمی‌کنند، بلکه منجر به اتلاف منابع و ایجاد مشاغل کاذب و بی‌ثبات می‌شوند.

همانطور که در ابتدای جلسه مطرح شد، حاکمیت در سیاست‌گذاری‌های اشتغال باید به جای تمرکز بر پرداخت



تولید اشتغال آفرین

پول برای ایجاد شغل، بر تقویت و رونق تولید متمرکز شود. این امر، زمینه‌ساز ایجاد اشتغال پایدار و باکیفیت برای نیروی کار خواهد بود. از دیگر مزایای تقویت تولید در راستای ایجاد اشتغال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شناسایی و ساماندهی بازار کار: با رونق تولید، اطلاعات مربوط به بازار کار از جمله تعداد شاغلین، توزیع شغلی در بخش‌های مختلف، نیازهای مهارتی بازار و... به طور دقیق‌تر و کامل‌تر در دسترس قرار می‌گیرد.
 - کنترل حضور اتباع خارجی: با ساماندهی بازار کار و شفاف‌سازی اطلاعات مربوط به نیازهای شغلی، می‌توان حضور اتباع خارجی در کشور را ساماندهی و کنترل کرد.
- بنابراین، تقویت تولید به عنوان یک استراتژی کلیدی در راستای ایجاد اشتغال پایدار و باکیفیت، نقشی محوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می‌کند.

چالش‌های حوزه اشتغال

۱. کمبود اطلاعات دقیق: یکی از چالش‌های کلیدی در حوزه اشتغال، کمبود اطلاعات دقیق و به روز از بازار کار است. اغلب، اطلاعات موجود در این زمینه به صورت برآوردی ارائه می‌شوند. برآورد، به عنوان یک روش علمی در علم اقتصاد، قابل قبول است، اما نباید مبنای اصلی سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد. اطلاعات ناقص و برآوردی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های اشتباه و ناکارآمد در حوزه اشتغال شود؛ بنابراین، اولین قدم در راستای سیاست‌گذاری صحیح در این حوزه «شناسایی دقیق بازار کار» است. این امر به معنای جمع‌آوری اطلاعات جامع و به روز از وضعیت موجود، اعم از تعداد شاغلین، توزیع شغلی در بخش‌های مختلف، نیازهای مهارتی بازار، وضعیت درآمدی، سهم بخش رسمی و غیررسمی و... می‌باشد؛ البته، این بدان معنا نیست که در حال حاضر هیچ اطلاعاتی از بازار کار در دسترس نیست. دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی مانند مرکز آمار، وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی و... اطلاعاتی را در این زمینه جمع‌آوری می‌کنند. اما چالش اصلی، عدم انسجام و یکپارچگی این اطلاعات است.

بسته‌های متولی اشتغال در کشور مانند جزایر مستقل عمل می‌کنند و ارتباط و تعاملی با یکدیگر ندارند؛ در نتیجه، تصویری جامع و دقیق از وضعیت بازار کار به دست نمی‌آید. برای رفع این چالش، لازم است سامانه‌ای



تولید اشتغال آفرین

یکپارچه برای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و تبادل اطلاعات بازار کار ایجاد شود. این سامانه باید به گونه‌ای طراحی شود که کلیه دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط بتوانند به طور مستمر اطلاعات خود را در آن ثبت و به روزرسانی کنند. دسترسی به اطلاعات دقیق و به روز از بازار کار، زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های صحیح و مبتنی بر شواهد در حوزه اشتغال خواهد شد.

۲. مشاوره: مسئله مهمی که مغفول مانده است. طراحی و اجرای برنامه‌های اشتغال بدون در نظر گرفتن نیازها، توانمندی‌ها و علایق نیروی کار، امری بیهوده و بی‌نتیجه خواهد بود. مشاوره شغلی، امری ضروری در تمامی مراحل قبل، حین و بعد از شروع کسب و کار است. فردی که قصد راه‌اندازی کسب و کار دارد، برای انتخاب مسیر شغلی مناسب، تهیه طرح کسب و کار، تامین مالی، بازاریابی و... به مشاوره نیازمند است.

علاوه بر این، پس از راه‌اندازی کسب و کار نیز، برای ارتقای سطح عملکرد، توسعه فعالیت‌ها و انطباق با شرایط متغیر بازار، نیاز به مشاوره وجود دارد. انسان موجودی پویا و در حال تغییر است و نیازهای او نیز در طول زمان دگرگون می‌شود. بنابراین، مشاوره شغلی باید به صورت مستمر و در تمامی مراحل زندگی شغلی افراد ارائه شود.

۳. آموزش: همانطور که در مورد مشاوره گفته شد، آموزش نیز باید به صورت مستمر و دائمی انجام گیرد. تحولات شغلی در دنیای امروز با سرعتی شگفت‌انگیز در حال وقوع است. گفته می‌شود که حدود ۶۰ درصد از مشاغلی که در ۱۰ سال آینده به وجود می‌آیند، در حال حاضر ناشناخته هستند. این موضوع نشان‌دهنده ضرورت به‌روزرسانی دائمی دانش و مهارت‌ها در راستای تطبیق با نیازهای بازار کار آینده است؛ برای مثال، ظهور شبکه‌های اجتماعی مانند وایبر^۱ در سال‌های ۹۳ و ۹۴، مشاغل جدیدی را به وجود آورد که در آن زمان حتی تصور آنها نیز دشوار بود. افراد با استفاده از خلاقیت و هوش خود در این فضاهای مجازی، توانستند به درآمدهای قابل‌توجهی دست پیدا کنند.

رشد روزافزون مشاغل در فضای مجازی، ضرورت آموزش در این حوزه را بیش از پیش آشکار می‌کند. در حال

(۱) Viber: یک نرم‌افزار مالکیتی چندسکویی پیام‌رسان فوری صدا روی پروتکل اینترنت برای تلفن‌های هوشمند است که توسط شرکت وایبر توسعه داده شده است. علاوه بر پیام‌رسانی متنی، کاربران می‌توانند به تبادل تصاویر، ویدئو و پیام‌های رسانه‌ای بپردازند.



تولید اشتغال آفرین

حاضر، هزاران شغل جدید در این فضا به وجود آمده است که برای ورود به آنها، نیاز به دانش و مهارت‌های تخصصی وجود دارد. بنابراین، آموزش مستمر و به‌روز، کلید موفقیت در دنیای کار امروز و فرداست. نیروی کاری که از این آموزش‌ها غافل شود، از قافله پیشرفت عقب خواهد ماند و فرصت‌های شغلی مناسب را از دست خواهد داد.

۴. نیروی کار: مهم و غیر قابل اغفال: یکی از چالش‌های اساسی در حوزه نیروی کار، ضعف فرهنگ کار و تولید است. برای رفع این چالش، باید اقدامات زیر را به طور مستمر انجام داد:

- فرهنگ‌سازی: باید به شکلی مستمر انجام شود؛ به این معنی که فرهنگ غالب مردم را به سمت کار تولیدی پیش برد.
- مسیرسازی: به طور مستمر مسیرسازی شود.
- هدف‌گذاری: به طور مستمر با مرحله بندی اهداف، اهداف ارتقا داده شود.

در حال حاضر، فرهنگ غالب در جامعه ایران بیشتر بر تجارت و بازرگانی متمرکز است تا تولید. این امر به دلیل عوامل مختلفی مانند کمبود زیرساخت‌های تولیدی، عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان و جاذبه‌های بیشتر فعالیت‌های تجاری در مقایسه با فعالیت‌های تولیدی رخ داده است. با انجام اقدامات فرهنگ‌سازی، مسیرسازی و هدف‌گذاری، می‌توان این ذهنیت را در جامعه تغییر داد و فرهنگ کار و تولید را به عنوان یک ارزش اساسی در بین افراد نهادینه کرد.

۵. اطلاع رسانی: مسئله‌ای که نیاز به توجه ویژه دارد. اطلاع‌رسانی به نیروی کار، یکی دیگر از چالش‌های مهم در این حوزه است که باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

حال، اگر به این پنج ویژگی کلیدی نیروی کار که در بخش قبل به آنها اشاره شد، توجه کافی داشته باشیم، چه اثراتی بر حوزه تولید خواهد داشت؟ بهبود این پنج ویژگی، منجر به افزایش بهره‌وری در تولید می‌شود. این افزایش بهره‌وری، به نوبه خود، به ایجاد اشتغال بیشتر می‌انجامد و در نهایت، اشتغال بیشتر، زمینه را برای ارتقای مجدد بهره‌وری در تولید فراهم می‌کند. این چرخه مثبت، می‌تواند به رشد و توسعه پایدار در بخش تولید و اشتغال کشور منجر شود.



مقام معظم رهبری دام ظلّه:

«تولیدکلید اصلی است برای اشتغال، برای معیشت، برای کاهش تورّم، برای ایجاد ارزش پول ملی؛ تولید واقعاً مادر همه‌ی اینها است؛ هر چه میتوانیم در مورد تولید بایستی کار کنیم...»

(بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت؛ ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)

تفاوت اصلی مفهوم اقتصاد اسلامی با رویکردهای: انسان‌محوری که در آن انسان در مرکزیت قرار دارد و فعالیت‌های اقتصادی در راستای رشد و تعالی انسان تعریف می‌شوند؛ و رویکرد سرمایه‌محوری که در آن سرمایه در مرکزیت قرار داشته و تمام فعالیت‌های اقتصادی در جهت افزایش و حفظ آن انجام می‌شوند؛ در این است که در اقتصاد اسلامی، نه انسان و نه سرمایه، اصالت مطلق ندارند! بلکه در این نگاه، سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی در راستای شکوفایی استعدادهای انسانی و ارتقای سطح زندگی انسان صورت می‌گیرند...

